

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 31)

### آتش تروریسم دامن پاکستان را میگیرد

تذکر این نکته نیز ضروریست که در عین زمان، با آتشی که مقام های نظامی و جاسوسی پاکستان بازی کرده و میکنند، ناگزیر گاهگاهی دامن جان خودشان را هم گرفته و میگیرد. به این معنا که به مرور زمان، افراد و گروه هایی در میان مزدوران و دست پرورده گان شان رشد میکنند که با اندکترین پیشآمد منفی، نرسیدن استحقاق و امتیاز مادی و سیاسی برایشان و یا گشایش در چپه یی بسوی ارباب جدید، میله تفنگ را بسوی ولینعمت ها و پرورش دهنده گان اصلی خود شان میچرخانند. بهمین منوال، مردم پاکستان در عین حال، شاهد یک سلسله تمردها و یا نا فرمانی های خونین طالبان در سالهای اخیر در خاک آن کشور نیز بوده اند. یکی از روزنا مه های کانادایی در سال 2008م خویش، آماری را به نشر رسانید که باساز آن میتوان تعداد تلفات جانی ناشی از نا فرمانی های دست پرورده گان حکومت پاکستان را ملاحظه نمود. البته این آمار بصورت مجموعی ناشی از حوادث مختلف بوده که تا سالهای 2013 م در شهر های مختلف پاکستان تهیه شده است :

در سال 2002م طی چهار حادثه، به تعداد 29 نفر مقتول و 99 نفر زخمی

در سال 2002م در اثر سوِقصد، به تعداد یازده تن از کارمندانِ فرانسوی کارخانه کشتی سازی در کراچی به قتل رسیدند.

در سال 2003م طی دو حادثه، 67 نفر مقتول و 103 نفر زخمی

در سال 2004 م طی پنج حادثه، 55 نفر مقتول و 312 نفر زخمی

در سال 2005م طی دو حادثه، 29 نفر مقتول و 119 نفر زخمی

در سال 2006م طی هشت حادثه، 140 نفر مقتول و 273 نفر زخمی

و در سال 2007م طی پنجاه و شش حادثه، 618 نفر مقتول و 1657 نفر زخمی.

\* در ماه می 2007 م، انفجار عظیمی در یکی از هتل های شهر پشاور بنام " مرحبا" به وقوع پیوست که در اثر آن بیست و پنج نفر جان خود را از دست دادند .

\* در ماه می سال 2011 م به تعداد یکصد نفر طالب مسلح بالای مرکز امنیتی شهر پشاور حمله کرده و در نتیجه زد و خورد چهار ساعته، پانزده تن شبه نظامی آن کشور را به قتل رسانیدند.

\*بتاریخ بیستم ماه جنوری 2014میلادی، حمله انتحاری بالای یکی از مراکز ارتش پاکستان در شهر راولپندی صورت گرفت و چهارده نفر را کشت.

\* دو روز قبل از این انفجار نیز حمله انتحاری دیگر بالای یک کاروان نظامی پاکستان در نزدیکی شهر " بنو " در شمال غرب آن کشور صورت گرفت و به تعداد بیست سرباز را به قتل رسانید و بیست و چهار سرباز دیگر را مجروح نمود.

\* بتاریخ نهم ماه جنوری 2014 م، انفجار شدیدی در منطقه " عیسی نگری " واقع در نزدیکی های بندر کراچی رخ داد که در اثر آن، چوهدری اسلم خان " رییس اداره عملیات ضد تروریسم و سه تن دیگر به قتل رسیدند.

\* در ماه جولای 2011 م طالبان و هابی پاکستان بالای یک‌عزاده موتری حمله کردند که مسافران آنرا هزاره های اهل تشیع آن کشور تشکیل میدادند. باساس گزارشها، یه تعداد یازده نفرهزاره در اثر این حمله، جان خود را از دست دادند.

\* درعین ماه، گروه طالبان پاکستانی حملات گسترده یی را بالای چند قریه شیعه نشین در پاراچنار پشاور به راه انداختند. اما اهالی قریه های موردحمله، به مقاومت مسلحانه پرداخته مجموع طالبان و هابی و سلفی را عقب راندند.

\* طالبان پاکستان در ماه جون 2011م بالای یک پوسته پولیس در شهر "هانگو" واقع در شمال غرب پاکستان حمله نموده به تعداد سی و دو نفر را به قتل رسانیده و پنجاه و شش نفر دیگر را زخمی کردند

\* طالبان در ماه حوت سال 1389 خورشیدی، یک ساختمان متعلق به نیرو های امنیتی در شهر فیصل آباد پاکستان را توسط مواد منفجره که در یک موتر جاسازی شده بود، منفجر نموده بیست نفر را کشتند و یکصد نفر دیگر را زخمی نمودند.

\* بتاریخ یازدهم ماه اکتوبر سال 2009 م، طالبان یک انفجار قوی انتحاری را در مرکز فرماندهی نظامی پاکستان در شهر راولپندی انجام دادند که در اثر آن پنج سرباز کشته و چندین نفر دیگر زخمی شدند. طالبان درعین حال، به تعداد شصت سرباز پاکستانی را در این مرکز به گروگان گرفتند.

\* در ماه اکتوبر، طالبان یک انفجار انتحاری دیگر را در خیبر بازار پشاور و مزدحم ترین نطقه بازار مذکور انجام دادند که در نتیجه آن، به تعداد یکصد نفر کشته و ده تن دیگر زخمی شدند. (102)

\* طالبان پاکستان در سال 2011م بالای یک پایگاه نیروی دریایی آن کشور در کراچی حمله نموده تلفات جانی و مالی زیادی را به بار آوردند.

\* همین گروه، بازر اوایل ماه سپتمبر 2014م حمله وسیعی را علیه یک مرکز نیروی دریایی پاکستان در جنوب شهر کراچی انجام دادند که در اثر آن، علاوه از خسارات مالی زیاد، چند تن از افسران و سربازان مرکز مذکور به قتل رسیدند.

حوادث و رویداد های خونین بیشتری در شهر های پاکستان، توسط گماشته گان متمرّد حکومت آن کشور رخ داد که ثبت همه آن ها طی این اثر گنجایش ندارد. ولی بار دیگر باید

متذکر شد که حملات و انفجارات تروریستی در خاک پاکستان، همان ضرب المثل معروف را بیاد می آورد که " مارگیر عاقبت توسط مار خودش گزیده میشود "

مؤسسه " رند " امریکا طی یکی از گزارشهای رسمی خویش مبنی بر تقابل با شورشگری در پاکستان نوشت که " از سال 2001 تا 2009م به تعداد 3021 نفر در اثر عملیات تروریستی در پاکستان کشته و 7334 نفر دیگر زخمی شده اند "

طالبان پاکستانی همچنان، چند مرتبه، سربازان ارتش آن کشور را جوقه جوقه ربوده و آنها را بصورت دستجمعی تیرباران نمودند. چنانکه فلم مستند مربوط به چنین کشتارها نیز با ذرایع مختلف به نشر رسانیده شدند.

یکی از تحلیلگران آگاه پاکستان، تحت عنوان " ده سؤال از جوانان دختر و پسر در مورد ارتش پاکستان " چنین نوشت :

"...پاکستان ۷۰۰۰۰ تن از شهروندانش را در اثر حملات تروریستی از دست داده است. تعداد پولیس و عساکر کشته شده این کشور در حدود ۱۰ تا ۲۰ هزار می رسد. هفته گذشته، طالبان مرگبارترین حمله‌ی شان را در تاریخ پاکستان به راه انداختند که باعث مرگ ۱۶۲ تن به شمول بیش از ۱۴۰ کودک در مکتب عامه ارتش» در پشاور گردید. هنوز هم اجماع ملی در این مورد وجود ندارد. ارتش پاکستان و هم قطارانش با نظریه‌های توطئه آمیز شان و اتهام بندی بر کشورهای همسایه همچون هند و افغانستان ادامه می دهند تا اذهان توده‌ها را مغشوش سازند و از مسوولیت‌های شان فرار نمایند. آنان در تلاش اند تا ثابت کنند که تروریست‌ها مسلمان نبوده و از جای نامعلوم آمده بودند. اما این حقیقت پابرجاست که تروریزم در پاکستان، نتیجه‌ی عمق استراتژیک سیاست اردوی پاکستان است که از افکار بنیادگرایی شبکه مدرسه‌های دیوبندی نشئت می‌گیرد و با دستور و پول ارتش پاکستان به پیش می‌روند. حالا که مار آستین صاحبش را نیش زده، هنوز هم ارتش پاکستان به سیاست قبلی‌اش یعنی طالبان خوب و بد ادامه می‌دهد، و نمی‌خواهد اظهاراتش را در مورد تغییر داده و تندروی را در مجموع آماج قرار دهد. نکته‌ی فاجعه‌بار، حمایت پروپاقرصی است که ارتش این کشور از آن مستفید می‌شود، بخصوص در میان جوانان شهرنشین باسواد که فکر می‌کنند زیر سوال بردن ارتش پاکستان، عمل غیر وطنپرستانه و خیانت است."

آقای " بارنت روبین " پروفیسور در دانشگاه امریکا و یکی از افغانستان شناسان معروف، باری طی نگارش یک مقاله تحت عنوان "شکست بن بست" گفت : " هرچند پاکستان طی سه دهه سرمایه گزاری بالای اسلام گرایان و متعصبین پشتون، آنها را به قدرت مهیب مبدل ساخت؛ ولی در نتیجه، سبب تحرک انتیکی {نژادی} در دو طرف مرز گردیده آتش عقبی آن اکنون خود آتش افروزان پاکستان را میسوزاند. "

## درامه خونین در " لال مسجد"

البته حوادث و انفجارهای انتحاری و غیرانتحاری، پس از سالهای 2007 میلادی در خاک پاکستان شدتِ بیشتر کسب نمود که ما سعی میکنیم درجایش از آن ها هم یاد کنیم. مثلاً، حادثه پُرسر و صدای ناشی از ترمرد بخشی از گروه طالبان پاکستانی علیه حکومت مرکزی در مسجد سرخ یا (لال مسجد) اسلام آباد شنیدنی است. بدین گونه که تعداد زیادی از طالبان پاکستانی به رهبری دو برادر مذهبی متعصب بنام های " مولانا عبدالعزیز" و " عبدالرشید غازی"، لال مسجد یا مسجد سرخ شهر اسلام آباد را در ماه جون سال 2007 میلادی سنگر گرفته و از آنجا، به تبلیغات ضد حکومتی پرداختند. طالبان این مسجد، نه تنها تبلیغات وسیع ضد دولتی را به راه انداخته بودند، بلکه حتا مغازه هایی را که آلات موسیقی، فلم، یا فیته و " سی. دی" آوازخوانان را بفروش میرسانیدند، مسدود میکردند، آنعه زنانی را که تصور میکردند " فاحشه" هستند، اختطاف نموده بداخل مسجد میبردند، محاکمه "اسلامی" نوع طالبی را در داخل مسجد مذکور دایر کرده بودند و بالای افراد پولیس حمله میکردند. گزارش ها میرسانیدند که طالبان از مدتها قبل، مقدار زیاد سلاح و مهمات جنگی از قبیل راکت لنچر، تفنگهای مختلف النوع، مواد منفجره و غیره در آن مسجد ذخیره کرده بودند. قراری که در آن شب و روز افشا گردید، به تعداد پنجهزار طالب و اعضای خانواده آنها در آن جا اسکان داده شده بودند. طالبان در روز های بعد، تعدادی از افراد و افسران پولیس را نیز به گروگان گرفته شعارها و فعالیتهای ضد دولتی شان را تشدید نموده بودند. فشارهای مذهبی و تند روانه این گروه تا آنجا رسید که اهالی منطقه، تاجران و مغازه داران شهر اسلام آباد، پیهم به مقام های امنیتی

شکایتها میکردند. جنرال پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان در هفته اول ماه جولای، یعنی پس از تحمل و تعلل دو ماهه، به نیروهای ارتش و گروه کماندو دستور داد تا مسجد را در محاصره گرفته طالبان مسلح را وادار به تسلیم نمایند. نیروهای ارتش توانستند پس از هشت روز و با تنگتر ساختن قدم به قدم حلقه محاصره، با منفجر کردن دیوارها و نفوذ بداخل مسجد، گروگانها را آزاد و طالبان را دستگیر نمایند. در آن شب و روز گفته شد که در اثر این عملیات، به تعداد بیشتر از یکصد نفر و به قول دیگر، سه صد نفر به شمول ملا عبدالرشید غازی در این عملیات کشته شدند. همچنان گفته شد که ده نفر از نیروهای کماندوی پاکستان نیز حین عملیات کشته شدند. جالب این بود که ملا عبدالرشید غازی، برادر عبدالرشید غازی رهبر این گروه که از "جنگیدن تا آخرین قطره خون و استقبال از شهادت در راه اسلام" دم میزد، بالاخره تصمیم گرفت با استفاده از برقع یا چادری زنانه از معرکه فرار نماید، ولی، از طرف پولیس شناسایی و دستگیر گردید. تا جاییکه گزارشهای بعدی افشا کردند، این رهبر شهادت طلب طالبی، پس از مدت مختصری که در توقیف قرار داشت، بصورت سؤال برانگیزی آزاد ساخته شد. باید متذکر شد که مسجد مذکور در سالهای (1979-1989م) مرکز فعالیتهای گسترده سازمان (سی آی ای) و (آی اس آی) در تمرین دهی، تجهیز و تجمع جنگجویان جهادی بر ضد افغانستان بود که پول هنگفتی از سوی عربستان سعودی، شیخ نشین های خلیج فارس، امریکا و سایر مؤسسات مذهبی تندرو جهان به این مرکز سرازیر میشد.

این اقدام جدی و سرکوبگرانه جنرال " مشرف" البته به هیچ وجه بمعنای سرکوب مجموع تروریسم رشد یافته در خاک پاکستان و گروه طالبان نبود، بلکه به این منظور بود که از یکطرف دولت مرکزی آن کشور نمیتوانست بیشتر از آن، وجود چنین کانون معترض انفجاری و تروریستی در قلب شهر اسلام آباد را منحیث یک نیروی تهدید کننده و بی ثبات سازنده در چند صد متری کاخ ریاست جمهوری تحمل نماید و از سوی دیگر، سرکوبی آنها، زهرچشمی تلقی میشد برای سایر افراد مسلح این گروه در مناطق مختلف پاکستان تا از اوامر و دستاویز پرورش دهنده گان شان سرپیچی نکنند. در عین حال، نمایشی بود تا از آن طریق

به جانب امریکا بفهمانند که مقام های پاکستانی در قبال تعهدات شان با آن کشور در جنگ علیه تروریسم وفا دار اند. این نکته نیز گفتنی است که دوملای بنیادگرای پاکستانی ( قاضی عبدالرشید و ملا عبدالعزیز) در واقع، فرزندان یکی از ملا های مذهبی تند رو بنام عبدالله بودند که از سوی جنرال ضیا الحق رییس جمهور سابق پاکستان حمایت مالی و سیاسی میشد. یعنی کانون تروریستی لال مسجد در اسلام آباد و پرورش صدها عنصر تند رو ضد آزادی و ضد حقوق بشر در آن، همانند صدها و هزارها کانون خراب کار دیگر، زاده اندیشه و برنامه جنرال ضیا الحق بودند که پیرو سرسخت دیوبندیسم و راه و رسم تند روانه آن بود.

### ( 103 )

علاوه از آن، در بحبوحه تمرد ها و عملیات ضد حکومتی گروه طالبان پاکستانی، دو مرتبه، در روز های چهاردهم و بیست و پنجم ماه دسامبر سال 2003م، سوؤ قصد بجان شخص پرویز مشرف نیز صورت گرفت که وی در هر دو مرتبه جان به سلامت بُرد. در روزهایی که گزارش های سوؤ قصد بجان رییس جمهور پاکستان منتشر میشد، بعضی ها میگفتند که با درک و شناخت پالیسی های عوامفریبانه حکومت مداران پاکستان، تردیدی نیست که چنین صحنه سازیها نیز کار خود آنها بوده باشد تا به مردم منطقه، امریکا و جهان نشان دهند که پاکستان و رهبران آن کشور نه تنها از تروریسم دفاع و حمایت نمیکند، بلکه خود نیز قربانی تروریسم میباشند. آخرین سوؤ قصد نا فرجام که ظاهراً علیه جنرال مذکور صورت گرفت، روز پنجشنبه سوم ماه اپریل 2014م در راولپندی پاکستان بود. این سوؤ قصد نیز با در نظر داشت تاکتیکهای سیاسی، تبلیغاتی و اطلاعاتی پاکستانیها، از سوی تحلیلگران منطقه، فرمایشی و تصنعی تلقی گردید. زیرا بروفق گزارشها، مواد انفجاری در گوشه خیابانی جا گذاشته شده بود که قرار بود پرویز مشرف و کاروان حفاظتی وی در راه بازگشت از بیمارستان به منزلش، از آن عبور نماید؛ ولی مواد جابجا شده، بیست دقیقه قبل از لحظه عبور منفجر گردید.

## پرویز مشرف چگونه به صحنه آمد ؟

چون وقایع یازدهم سپتامبر، سقوط امارت طالبان و حضور نظامی امریکا و متحدین جهانی اش در افغانستان، مصادف با حاکمیت جنرال پرویز مشرف در پاکستان بود، بنابراین، جا دارد بعنوان توضیح ضمنی گفت که جنرال "مشرف" بتاريخ دوازدهم ماه اکتوبر سال 1999 میلادی، آنگاه که "نواز شریف" صدراعظم انتخابی کشور بود، در اثربیک کودتای بدون خونریزی قدرت را بدست گرفت. نواز شریف خودش، جنرال مشرف را بعنوان رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان برگزیده بود. (چنانکه ذولفقار علی بوتو صدراعظم وقت پاکستان، جنرال ضیاالحق را خود بحیث رییس ستاد مشترک نیروهای نظامی آن کشور مقرر نمود و خود قربانی اقدام خود شد) جریان از اینقرار بود که نیروهای مسلح پاکستان، منطقه "کارگیل" در کشمیر را طی یک حمله ناگهانی، از کنترل نیروهای هندی بیرون کشیده و به اشغال خویش درآورده بودند. این رویداد نظامی، نه تنها اوضاع میان دوکشور هند و پاکستان را بحرانی ساخت، بلکه مغایر پالیسی حفظ "بیانس" ایالات متحده امریکا میان هند و پاکستان نیز تلقی میشد و بهمین رو، موجب نارضایی "بیل کلنتن" رییس جمهور امریکا گردید.

"نواز شریف" طی مسافرت عاجلی که به واشنگتن داشت، مورد عتاب "کلنتن" قرار گرفت و تهدید بر آن شد که اگر پاکستان از "کارگیل" فوراً عقب نشینی نکند، جانب امریکا بوسیله نشر اطلاعاتی، ارتباط مقام های پاکستانی با طالبان و القاعده را رسماً افشا خواهد نمود. زیرا منابع جاسوسی امریکا ارتباط و ائتلاف مخفی پاکستان با طالبان و القاعده را در پاییز سال 1998م کشف کرده ثابت کرده بودند که آی. اس. آی یا سرویس جاسوسی ارتش پاکستان، هشت پایگاه تروریستی در خاک افغانستان دارد که افسران نظامی آن کشور در آن ها فعال اند.) "نواز شریف" در بازگشت به کشور، حکم عقب نشینی نیروهای مسلح پاکستان از مناطق اشغال شده را صادر نمود. این عمل، نه تنها اعتراضات دامنه دار احزاب اسلامی تند رو را در قبال داشت، بلکه باعث نارضایی برخی از جنرالان و منسوبین ارتش پاکستان



نیز گردید. آنچه نظامیان آن کشور را واداشت تمسکی بدست آورده علیه " نواز شریف" دست بکارشوند، این بود که حینیکه " پرویز مشرف" از یک سفر بیرونی به شهر کراچی برمیگشت، " نواز شریف" دستور داد تا از نشست طیاره حامل وی در میدان هوایی شهر کراچی جلوگیری بعمل آید. این دستور و ممانعت در حالتی صورت گرفت که گفته شد طیاره، مواد سوخت اندکی داشت و نمیتوانست به جای دیگری برود. پس افسران بلند رتبه ارتش به زودی دست بکار شده کاخ صدارت، دستگاه رادیو- تلویزیون و سایر نقاط حساس را اشغال نموده " نواز شریف" را دستگیر و شدیداً شکنجه کردند. بعداً در اثر سفارش رژیم عربستان سعودی و تعهد نواز شریف مبنی بر عدم فعالیت سیاسی علیه دولت پاکستان، او را برای مدت ده سال به عربستان سعودی تبعید نمودند. در قبال چنین اقدامی، " رفیق تارر" (ترار) رییس جمهور وقت استعفا داد و " پرویز مشرف" قدرت دولتی را تصاحب نمود. وی علاوه از ارتکاب اعمال ضد قانون و ضد دموکراسی در پاکستان، در سالهای زعامتش، با تکبر و خود بزرگ بینی عجیبی تا توانست بر ضد افغان و افغانستان سخن زد و عمل نمود. " مشرف"، طی یک مصاحبه با خبرنگار " فیگارو" در سال 2004م، احمد شاه مسعود را " جاسوس دو طرفه" خواند، اقوام افغانستان به استثنای پشتونها را " سفاک و دهشت آفرین" خطاب نمود، نفوس پشتونهای افغانستان را بین " 50 تا 60" در صد و تاجکها را " یک اقلیت ناچیز" وانمود کرد، خود و جانب پاکستان در قبال تراژیدی افغانستان را " بیطرف" و " بیگناه" گفت و ادعا نمود که " از هیچ جناح سیاسی خاص در افغانستان حمایت نمیکند"، به صحنه آمدن گروه طالبان را ناشی از خواست و حمایت مردم افغانستان دانست، امیر حبیب الله " خادم دین رسول الله" را " یک رهن تاجک" خواند، از حضور و اختفای اسامه بن لادن در خاک پاکستان انکار ورزید و بالاخره، از حمایت حکومتش از گروه طالبان و به رسمیت شناختن امارت آنها دفاع نمود. وی آنقدر پُرو، خودخواه و دروغگو بود که علی رغم تروریست پروری های آشکار، پنهان کردن اسامه بن لادن در زیر پروبال آی. اس. آی و بکارگیری ترفند های خاص خودش، دشمنان داخلی و خارجی زیادی برای خود تراشید و تا

ایندم (ماه اپریل 2014م) تحت محاکمه و بازداشتِ خانه گی در اسلام آباد بسر میبرد.

**(ادامه دارد)**